



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۱/۱۳

فردوس

آیا با عجله می توان به این جنگ پایان داد؟

حضور دکتر زلمی خلیلزاد نماینده خاص امریکا برای پایان جنگ افغانستان در منطقه و نشر طرح های سناریوی پایان جنگ و سیاسی سازی طالبان از سوی «رند» و دیگر نهاد های پژوهشی امریکایی، نشان دهنده آن است که واشنگتن برای شکل گیری یک توافق سیاسی که پایان جنگ را تضمین کند، بسیار عجله دارد. تردیدی نیست که این عجله با سیاست داخلی و ضرورت های انتخاباتی اداره ترمپ ربط دارد. ترمپ در انتخابات به رأی دهندهگان امریکایی وعده کرده بود که ماموریت های نظامی پرخرج امریکا در خارج از قلمرو این کشور را متوقف می کند. شاید اداره ترمپ به این نتیجه رسیده است که شکل گیری یک توافق سیاسی برای پایان جنگ و فراهم شدن بهانه برای خروج نیروهای امریکایی از افغانستان و سوریه، این اداره را در انتخابات سال ۲۰۲۰ امریکا در موضع برتر قرار خواهد داد. حتا یکی از نامزدان احتمالی حزب دموکرات امریکا هم گفته است که از پایان ماموریت های نظامی امریکا در خارج از این کشور حمایت می کند.

این امر نشان دهنده آن است که بخشی از صنف سیاسی امریکا سخت طرفدار پایان ماموریت های نظامی ایالات متحده در کشورهای آسیایی هستند و به این نتیجه رسیده اند که رأی دهندهگان امریکایی با شعار پایان ماموریت های نظامی بیشتر بسیج می شوند. در این هم تردیدی نیست که شکاف جدی بین طبقه سیاسی و نظامی ایالات متحده ایجاد شده است. نظامیان امریکایی که شکست در جنگ ویتنام را در حافظه شان دارند، نمیخواهند که سناریوی ویتنام در افغانستان تکرار شود. شکست در ویتنام حیثیت، وقار و پرستیژ نظامیان امریکایی را سخت صدمه زد. به همین دلیل بود که نظامیان امریکایی یک دهه پس از شکست در جنگ ویتنام، به مقاومت ضد شوروی اسلام گرایان در افغانستان جنگ افزار تحول آفرین استنگر را سپردند تا ارتش سرخ زمین گیر شود. با شکست نظامیان امریکایی در ویتنام و سقوط پایتخت ویتنام جنوبی به دست چریک های ضد امریکا، حس شکست و ناتوانی به نظامیان ایالات متحده القا شد. حس شکست زمانی تعدیل شد که عراق در شروع دهه نود، امپرنشین کویت را اشغال کرد و ائتلافی به رهبری امریکا، برای آزاد سازی کویت وارد جنگ با ارتش عراق شد. در آن زمان صدام حسین زمامدار عراق بود. ائتلاف نظامی به رهبری امریکا که برای آزاد سازی کویت تشکیل شده بود، توانست این کشور را آزاد و ارتش صدام حسین را مجبور به عقب نشینی کند.

سناریوی ویتنامی شدن افغانستان وقتی تحقق می یابد که افغانستان پس از خروج نظامیان امریکایی، دچار هرج و مرج شود و هیچ میراث مثبت از مداخله نظامی ایالات متحده به جا نماند. به همین دلیل است که اداره ترمپ تلاش می کند قبل از خروج نیروهای امریکایی یک توافق سیاسی برای پایان جنگ شکل بگیرد و پایان حضور نظامی امریکا در افغانستان بر مبنای همین توافق باشد. شکل گیری یک توافق سیاسی برای پایان جنگ و پایان تدریجی حضور نظامی امریکا بر مبنای این توافق، فصل مشترک نظامیان و اداره ترمپ است. ترمپ نشان داده است که مایل به پایان فوری ماموریت های نظامی امریکا در کشورهای آسیایی و برگرداندن نظامیان امریکایی به ایالات متحده است. اما نظامیان و بلند پایه گان دوراندیش حکومت امریکا مانع او می شوند و بر خروج تدریجی که منطق سیاسی قابل دفاع داشته باشد، تاکید می کنند.

خروج نظامیان امریکایی افغانستان وقتی قابل دفاع است که طالبان بخشی از روند مشروع سیاست در افغانستان شوند و مذاکره برای پایان جنگ به سناریوی برد-برد برای همه طرف ها منجر شود. سناریوی برد-برد وقتی شکل می گیرد که حکومت افغانستان با طالبان روی ساختار دولت و قانون اساسی مذاکره کند. طالبان طرح تعدیلی را که برای قانون اساسی افغانستان دارند، روی میز مذاکره بگذارند و در مورد آن با نماینده گان حکومت افغانستان چانه بزنند. امریکایی ها، متحدان آن کشور در سازمان ناتو و قدرت های منطقه ای که در میز مذاکره با طالبان و حکومت افغانستان حضور می داشته باشند، روی منافع امنیتی شان چانه بزنند و به یک توافق جامع برسند. این سناریو وقتی موفق خواهد بود که طالبان در پایان کار به توقف خشونت، لغو تشکیلات نظامی و

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

ادغام جنگ جویان شان در جامعه، توافق کنند و بدل به یک حزب سیاسی شوند. البته برای تحقق این سناریو لازم است که انتخابات ریاست جمهوری، شوراهای ولسوالی و شوراهای ولایتی، انجام شود تا ارکان جرگه قانون اساسی وجود داشته باشد و تعدیل قانون اساسی در جرگه تصویب شود. تحقق چنین سناریویی را باید قدرت های منطقه ای تضمین کنند و برخی از نهادها و چهره های مذهبی شناخته شده دنیا، به آن مشروعیت دینی بدهند. البته این سناریو نباید منجر به تحمیل یک گروه عقب گرا و متحجر بر سرنوشت افغانستان شود. طالبان باید بخشی از سیاست مشروع باشند نه کلیت حاکمیت سیاسی.

تحقق این سناریو به صبر راهبردی، چانه زنی، اعتماد سازی و تلاش های دیپلماتیک بسیار جدی از سوی همه طرف ها نیاز دارد. در حال حاضر قدرت های منطقه ای و جهانی دستور کار واحد در مورد افغانستان ندارند. سفر احتمالی خلیل زاد به بیجینگ هم برای توحید دیدگاه های امریکا و چین در مورد جنگ افغانستان صورت می گیرد. قدرت هایی مثل روسیه، چین و امریکا وقتی به دیدگاه واحد در مورد افغانستان می رسند که وارد گفت و گوهای جدی دیپلماتیک شوند. همسایه های افغانستان هم نیاز است که وارد یک دیالوگ شفاف با کابل شوند. آقای عمر داوودزی نماینده خاص رئیس جمهور غنی برای ایجاد هم آهنگی منطقه ای در مورد پایان جنگ افغانستان است، وظیفه دارد تا بین کابل و پایتخت های کشورهای منطقه زمینه یک گفت و گوی شفاف را به وجود بیاورد، تا هیچ کشور منطقه در مورد آینده نگرانی نداشته باشد و نقش مخرب ایفا نکند. روشن است که رسیدن به یک توافق جهانی، منطقه ای و داخلی در مورد جنگ افغانستان با عجله و شتاب به دست نمی آید و کار بیشتر می خواهد.

تردیدی نیست که شخص آقای ترمپ مثل گورباچف بیشتر به بیرون کردن نظامیان امریکایی از افغانستان و پایان ماموریت مستشاری ایالات متحده می اندیشد تا پایان جنگ، اگر دیگر مقام های امریکایی و نظامیان این کشور اجازه دهند، ترمپ راه خودش را می رود و به هیچ چیز دیگر فکر نمی کند. گورباچف در آستانه امضای توافقات ژنیو در سال ۱۹۸۸ بیشتر از این که به فکر پایان جنگ افغانستان باشد، به خروج نیروهای شوروی می اندیشید. ترمپ و مشاورانش گفته اند که در صورت خروج نیروهای امریکایی از سوریه، حمایت واشنگتن از کردها ادامه خواهد یافت. شاید او به این فکر باشد که نظامیان امریکایی را از افغانستان خارج کند و بعد برای راضی نگه داشتن منتقدان داخلی اش به دوام حمایت مالی و تسلیحاتی از کابل تعهد دهد. این، سناریویی خیلی بد است. این امر جنگ افغانستان را طولانی می سازد و صدمه جبران ناپذیر به امنیت جهانی می زند. در صورت تحقق این سناریو، طالبان برای اشغال نظامی کلان شهرها برنامه ریزی خواهند کرد. در آن صورت احتمال تکرار سناریوی ۱۹۷۵ ویتنام جنوبی در افغانستان بعید نخواهد بود. تحقق این سناریو علاوه بر این که افغانستان را می سوزاند، سبب تقویت باورهای جهادگرایان ها به روایت های آخر زمانی شان، می شود و جهان را بیشتر نا امن می کند.

پایان

با تشکر از روزنامه هشت صبح